





گام‌های تمدن‌ساز: پیاده‌روی اربعین در کلام رهبر معظم انقلاب مد ظله العالی  
 به همت محمدرضا طاهری  
 اصفهان: عروج ایمان، ۱۳۹۸.  
 ۴۸ص. دو رنگ  
 ۹۷۸-۶۲۲-۶۷۱۸-۰۹-۷

فپیا

این اثر با حمایت اداره کل تبلیغات اسلامی استان اصفهان و به منظور توزیع در بین  
 عزاداران پیاده‌روی اربعین چاپ و توزیع شده است

خامنه‌ای، سید علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ — پیام‌ها و سخنرانی‌ها

Khamenei, Sayyed Ali -- Messages and speech

حسین‌بن علی علیه السلام، امام سوم، ۴ - ۶۱ ق — اربعین

Hosayn ibn Ali, Imam III, ۶۸۰ - ۶۲۵ — Arba'in

زینب سلام الله علیها بنت علی علیه السلام، ۶ - ۶۲ ق.

واقعه کربلا، ۶۱ ق — تاثیر

Karbala, Battle of, Karbala, Iraq, ۶۸۰ — Influence

طاهری، محمدرضا، ۱۳۵۴ - گردآورنده

سازمان تبلیغات اسلامی. اداره کل تبلیغات اسلامی استان اصفهان

DSR۱۶۹۲

۹۵۵/۰۸۴۴

۵۸۸۲۷۵۸

عنوان و نام پدیدآور

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

شابک

وضعیت فهرست نویسی

یادداشت

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

شناسه افزوده

شناسه افزوده

رده بندی کنگره

رده بندی دیویی

شماره کتابشناسی ملی

## گام‌های تمدن‌ساز

پیاده‌روی اربعین در کلام رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی)

گردآورنده: حجت الاسلام محمدرضا طاهری  
 خوشنویس طرح جلد: استاد روح الله ابوالفضلی

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

ناشر: عروج اندیشه

نوبت چاپ: اول / مهر ۱۳۹۸

این اثر با حمایت اداره کل تبلیغات اسلامی استان اصفهان و به منظور  
 توزیع در بین عزاداران پیاده‌روی اربعین چاپ و توزیع شده است

# فهرست

- ۴..... علّت اهمیت اربعین
- ۴..... جابر بن عبدالله انصاری، اولین زائر اربعین
- ۶..... مغناطیس حسینی؛ علت زیارت اربعین
- ۸..... راهبرد علمداران کربلا برای پیگیری هدف قیام حسینی
- ۱۲..... حرکت زینب کبری در زیارت اربعین رمز بقای عاشورا
- ۱۲..... مروری بر هدف قیام حسینی در زیارت اربعین
- ۲۵..... حرکتی در امتداد قیام سیدالشهدا علیه السلام برای تشکیل نظام اسلامی
- ۲۶..... پیاده روی اربعین؛ مصداق شعائر الله
- ۲۹..... آیت عظمای الهی بر نصرت امت اسلامی
- ۳۰..... پیاده روی اربعین؛ ابزار شناساندن امام حسین علیه السلام
- ۳۱..... پیاده روی بی نظیر اربعین، مایه‌ی عزّت امت اسلامی
- ۳۳..... تعامل زیبای اقوام؛ الگوی وحدت ملت‌های مسلمان
- ۳۵..... مهمان‌نوازی مردم عراق از زائران اربعین حسینی
- ۳۶..... راهپیمایی اربعین؛ نمایشگاه محبت بین ملت‌ها
- ۳۷..... آیت رحمت پروردگار
- ۳۷..... جان‌های به یکدیگر متصل
- ۳۸..... پیاده روی اربعین؛ یکی از نشانه‌های ایمان جوانان
- ۳۸..... لزوم رعایت ضوابط و مقررات در سفر اربعین
- ۳۹..... حرکت ملت ما در زیارت اربعین، نشانگر عزم راسخ ملی
- ۳۹..... لزوم معرفت‌افزایی زائران سفر اربعین
- ۴۰..... ایجاد تمدن عظیم اسلامی؛ جهت‌گیری اربعین
- ۴۱..... پیاده روی اربعین؛ مسیر تمدن عظیم اسلامی



## علت اهمیت اربعین

اساساً اهمیت اربعین در آن است که در این روز، با تدبیر الهی خاندان پیامبر صلی الله علیه وآله، یاد نهضت حسینی برای همیشه جاودانه شد و این کار پایه‌گذاری گردید. اگر بازماندگان شهدا و صاحبان اصلی، در حوادث گوناگون - از قبیل شهادت حسین بن علی علیه السلام در عاشورا - به حفظ یاد و آثار شهادت کمر نبندند، نسل‌های بعد، از دستاورد شهادت استفاده زیادی نخواهند برد!



## جابر بن عبدالله انصاری، اولین زائر اربعین

در روز اربعین هم، بعد از آن روزهای تلخ و آن شهادت عجیب اولین زائران اباعبدالله الحسین علیه السلام بر سر قبر امام معصوم شهید جمع شدند. از جمله کسانی که آن روز آمدند یکی «جابر بن عبدالله انصاری» است و یکی «عطیة بن سعد عوفی» که او هم از اصحاب امیرالمومنین علی علیه السلام است. جابر بن عبدالله از



صحابه پیامبر و از اصحاب جنگ بدر است؛ آن روز هم علی الظاهر مرد مستی بوده است؛ شاید حداقل شصت، هفتاد سال از سنین او - بلکه بیشتر - می‌گذشته است. اگر در جنگ بدر بوده، پس لابد قاعدتاً در آن وقت باید بیش از هفتاد سال سن داشته باشد؛ لیکن عطیه از اصحاب امیرالمومنین علیه السلام است. او آن وقت جوان تر بوده؛ چون تا زمان امام باقر علیه السلام هم «عطیه بن سعد عوفی» علی الظاهر زندگی کرده است. «عطیه» می‌گوید: وقتی به آنجا رسیدیم، خواستیم به طرف قبر برویم، اما این پیرمرد گفت: اول دم شط فرات برویم و غسل کنیم. در شط فرات غسل کرد، سپس قطیفه‌ای به کمر پیچید و قطیفه‌ای هم بر دوش انداخت؛ مثل کسی که می‌خواهد خانه خدا را طواف و زیارت کند، به طرف قبر امام حسین علیه السلام رفت. تا نزدیک قبر امام حسین علیه السلام رسیدیم. وقتی که قبر را لمس کرد و شناخت، احساساتش به جوش آمد؛ لابد [بخاطر] این که حسین بن علی علیه السلام را بارها در آغوش پیامبر دیده بود. با صدای بلند سه مرتبه صدا زد: یا حسین، یا حسین، یا حسین!

«و سيعلم الذين ظلموا أي منقلب ينقلبون...»<sup>۱</sup>





## مغناطیس حسینی؛ علت زیارت اربعین

چه آمدن خاندان پیغمبر در روز اربعین به کربلا - که بعضی روایت کرده‌اند - درست باشد یا درست نباشد، ظاهراً در این تردیدی نیست که جابر بن عبد الله انصاری به همراه یکی از بزرگان تابعین - که نام او را بعضی عطیه گفته‌اند، بعضی عطاء گفته‌اند و احتمال دارد «عطیه بن حارث کوفی حمدانی» باشد؛ به هر حال یکی از بزرگان تابعین است که در کوفه ساکن بوده - این راه را طی کرده‌اند و در این روز بر سر مزار شهید کربلا حاضر شدند.



شروع جاذبه مغناطیس حسینی، روز اربعین است. جابر بن عبدالله را از مدینه بلند می‌کند و به کربلا می‌کشد. این، همان مغناطیسی است که امروز هم با گذشت قرن‌های متمادی، در دل من و شماست. کسانی که معرفت به اهل بیت دارند، عشق و شور به کربلا همیشه در دلشان زنده است. این از آن روز شروع شده است؛ عشق به تربت حسینی و به مرقد سرور شهیدان؛ سید الشهداء علیه السلام. جابر بن عبدالله جزو مجاهدین صدر اول است؛ از اصحاب بدر است؛ یعنی قبل از ولادت امام حسین، جابر بن عبدالله، در خدمت پیغمبر بوده و در کنار او جهاد کرده است. کودکی، ولادت و نشو و نمای حسین بن علی علیه السلام را به چشم خود دیده است.



جابر بن عبدالله به طور حتم بارها دیده بود که پیغمبر اکرم، حسین بن علی را در آغوش می‌گرفت، چشم‌های او را می‌بوسید، صورت او را می‌بوسید، پیغمبر با دست خود در دهان حسین بن علی غذا می‌گذاشت و به او آب می‌داد؛ اینها را به احتمال زیاد جابر بن عبدالله به چشم خود دیده بود. جابر بن عبدالله به طور حتم از پیغمبر به گوش خود شنیده باشد که «حسن و حسین سرور جوانان اهل بهشتند». بعدها هم بعد از پیغمبر، موقعیت امام حسین، شخصیت امام حسین - چه در زمان خلفا، چه در زمان امیرالمومنین، چه در مدینه و چه در کوفه - اینها همه جلو چشم جابر بن عبدالله انصاری است.



حالا جابر شنیده است که حسین بن علی را به شهادت رسانده‌اند. جگر گوشه پیغمبر را با لب تشنه شهید کرده‌اند. از مدینه راه افتاده است؛ از کوفه عطیه با او همراه شده است.

عطیه روایت می‌کند که: «جابر بن عبدالله به کنار شط فرات آمد، آنجا غسل کرد، جامه سفید و تمیز پوشید و بعد با گام‌های آهسته، با احترام به سمت قبر امام حسین علیه السلام روانه شد. آن روایتی که من دیدم این طور است. می‌گویند وقتی به قبر رسید، سه مرتبه با صدای بلند گفت: «الله اکبر، الله اکبر، الله اکبر!» یعنی وقتی



که می بیند چطور آن جگر گوشه پیغمبر و زهرا را، دست غارتگر شهوات طغیان‌گران، این‌طور با مظلومیت به شهادت رسانده، تکبیر می‌گوید.

بعد می‌گوید از کثرت اندوه، جابر بن عبدالله روی قبر امام حسین از حال رفت؛ غش کرد و افتاد. نمی‌دانم چه گذشته است، اما در این روایت می‌گوید وقتی به هوش آمد، شروع کرد با امام حسین صحبت کردن: «السلام علیکم یا آل الله، السلام علیکم یا صفوة الله...»<sup>۱</sup>

### راهبرد علمداران کربلا برای پیگیری هدف قیام حسینی

اربعین در حادثه کربلا یک شروع بود؛ یک آغاز بود. بعد از آنکه قضیه کربلا انجام گرفت - آن فاجعه بزرگ اتفاق افتاد - و فداکاری بی‌نظیر اباعبدالله علیه السلام و اصحاب و یاران و خانواده‌اش در آن محیط محدود وارد شد، حادثه اسارت‌ها پیام را باید منتشر می‌کرد و خطبه‌ها و افشاگری‌ها و حقیقت‌گویی‌های حضرت زینب سلام الله علیها و امام سجاد علیه الصلاة والسلام مثل یک رسانه‌ی پرقدرت باید فکر و حادثه و هدف و جهت‌گیری را در محدوده‌ی وسیعی منتشر می‌کرد؛ و کرد.

خاصیت محیط اختناق این است که مردم فرصت و جرأت این را







پیدا نمی‌کنند که حقایقی را که فهمیده‌اند در عمل خودشان نشان بدهند؛ چون اولاً دستگاه ظالم و مستبد نمی‌گذارد مردم بفهمند و اگر فهم مردم از دست او خارج شد و فهمیدند، نمی‌گذارد به آنچه فهمیده‌اند عمل کنند.



در کوفه، در شام، در بین راه، خیلی‌ها از زبان زینب کبری سلام الله علیها یا امام سجاد علیه الصلاة والسلام یا از دیدن وضع اسرا، خیلی چیزها را فهمیدند، ولی کی جرأت می‌کرد، کی توانایی این را داشت که در مقابل آن دستگاه ظلم و استکبار و استبداد و اختناق، آنچه را که فهمیده است، بروز دهد؟ مثل یک عقده ای در گلوی مؤمنین باقی بود. این عقده روز اربعین اولین نِشتر را خورد؛ اولین جوشش در روز اربعین در کربلا اتفاق افتاد.

مرحوم سید بن طاووس و بزرگان نوشته‌اند که وقتی کاروان اسرا، یعنی جناب زینب سلام الله علیها و بقیه در اربعین وارد کربلا شدند، در آنجا فقط جابر بن عبدالله انصاری و عطیه عوفی نبودند، «**رِجَالٌ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ**»؛ عده‌ای از بنی هاشم، عده‌ای از یاران، بر گرد تربت سید الشهداء جمع شده بودند و به استقبال زینب کبری آمدند. شاید این سیاست ولایی هم که زینب کبری اصرار کرد که برویم به کربلا - در مراجعت از شام - به خاطر همین بود که این اجتماع



کوچک اما پر معنا، در آنجا حاصل شود.

حالا بعضی استبعاد کردند که چطور ممکن است تا اربعین به کربلا رسیده باشند. مرحوم شهید آیت الله قاضی یک نوشته مفصلی دارند، اثبات می‌کنند که نه، ممکن است که این اتفاق افتاده باشد.

به هر حال آنچه در کلمات بزرگان و قدما هست، این است که وقتی زینب کبری و مجموعه اهل بیت وارد کربلا شدند، عطیه عوفی و جناب جابر بن عبدالله و رجالی از بنی هاشم در آنجا حضور داشتند. این نشانه و نمونه‌ای از تحقق آن هدفی است که با شهادت‌ها باید تحقق پیدا می‌کرد؛ یعنی گسترش این فکر و جرأت دادن به مردم. از همین جا بود که ماجرای توأیین بوجود آمد؛ اگرچه ماجرای توأیین سرکوب شد؛ اما بعد بلافاصله‌ی کوتاهی، ماجرای قیام مختار و بقیه آن دلاوران کوفه اتفاق افتاد و نتیجه در هم پیچیده شدن دودمان بنی‌امیه ظالم و خبیث بر اثر همین شد. البته بعد از او سلسله‌ی مروانی‌ها آمدند؛ اما مبارزه ادامه پیدا کرد؛ راه باز شد. این خصوصیت اربعین است. یعنی در اربعین افشاگری هم هست، عمل هم هست، تحقق هدف‌های آن افشاگری هم در اربعین وجود دارد.<sup>۱</sup>







## حرکت زینب کبری در زیارت اربعین رمز بقای عاشورا

حادثه‌ی عاشورای حسینی را ستمگران و ظالمان می‌خواستند نگذارند باقی بماند، زینب کبری سلام الله علیها نگذاشت.

دو حرکت عمّی ما زینب کبری علیها سلام انجام داد: یک حرکت، حرکت اسارت بود به کوفه و شام و آن روشنگری‌ها و آن بیانات که مایه‌ی افشای حقایق شد؛ یک حرکت دیگر، آمدن به زیارت کربلا در اربعین بود؛ حالا اربعین اول یا دوم یا هرچه.

این حرکت به معنای این است که نباید اجازه داد که انگیزه‌های خباثت‌آلودی که قصد دارند مقاطع عزیز و اثرگذار و مهم را از یادها ببرند، موفق بشوند؛ البته موفق هم نخواهند شد. تا ملت‌ها زنده‌اند، تا زبان‌های حق‌گو در کار است، تا دل‌های مؤمن دارای انگیزه هستند، نخواهند توانست این را به فراموشی بسپرنند؛ همچنان که نتوانسته‌اند<sup>۱</sup>.



## مروری بر هدف قیام حسینی در زیارت اربعین

هدف قیام؛ اقامه حق و عدل

حرکت امام حسین علیه السلام برای اقامه‌ی حق و عدل بود: «إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي، أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهِيَ



عَنِ الْمُتَكْرِ...»<sup>۱</sup> در زیارت اربعین که یکی از بهترین زیارات است، می خوانیم: «وَمَنْحَ النَّصْحِ وَبَدَلَ مُهْجَتَهُ فَيْكَ لَيْسْتَ نَقْدَ عِبَادِكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَحَيْرَةِ الضَّلَالَةِ».<sup>۲</sup> آن حضرت در بین راه، حدیث معروفی را که از پیامبر صلی الله علیه وآله نقل کرده اند، بیان می فرمایند: «مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا مُسْتَجِلًّا لِحُرْمِ اللَّهِ نَاكِثًا لِعَهْدِ اللَّهِ مُخَالِفًا لِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَعْمَلُ فِي عِبَادِ اللَّهِ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ ثُمَّ لَمْ يُعَيِّرْ بِقَوْلٍ وَلَا فِعْلٍ كَانَ حَقِيقًا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُدْخِلَهُ مَدْخَلَهُ».<sup>۳</sup>

تمام آثار و گفتار آن بزرگوار و نیز گفتاری که درباره ی آن بزرگوار از معصومین رسیده است، این مطلب را روشن می کند که غرض، اقامه ی حق و عدل و دین خدا و ایجاد حاکمیت شریعت و برهم زدن بنیان ظلم و جور و طغیان بوده است. غرض، ادامه ی راه پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و دیگر پیامبران بوده است که: «يَا وَارِثَ آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نَوْحِ نَبِيِّ اللَّهِ...»<sup>۴</sup> و معلوم است که پیامبران هم برای چه آمدند: «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ».<sup>۵</sup> اقامه ی قسط و حق و ایجاد حکومت و نظام اسلامی.<sup>۶</sup>



۱. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۹

۲. مفاتیح الجنان، زیارت اربعین

۳. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۸۲

۴. مفاتیح الجنان، زیارت وارث

۵. حدیث: ۲۵

۶. بیانات در دیدار جمعی از روحانیون ۱۳۶۸/۰۵/۱۱



امیر المؤمنین علیه الصلوة والسلام در نهج البلاغه، هدف از بعثت نبی مکرم اسلام را این‌گونه معین می‌کند: «لَيْثِيْرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ»؛ تا گنجینه‌های خرد را در درون مردم استخراج کند و به فعلیت برساند. در زیارت اربعین سیدالشهداء علیه السلام هم می‌خوانیم: «لَيْسَتْ تَنْقُذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ خَيْرَةَ الضَّلَالَةِ»؛<sup>۱</sup> قیام حسینی برای این است که ابرهای جهل و غفلت را از افق زندگی انسان‌ها برطرف کند و آن‌ها را عالم کند؛ آن‌ها را به هدایت حقیقی برساند. نصرت خدای متعال در واقع معنایش این است که در جهت احیای سنت‌های الهی قدم برداریم؛ در طبیعت و جامعه اثر بگذاریم؛ در بیدار کردن فطرت‌ها اثر بگذاریم؛ برای نجات انسان از مجموعه‌ی عوامل بدبختی و تیره‌روزی تلاش کنیم. این، نصرت ماست برای دین خدا.<sup>۲</sup>

در زیارتی از زیارت‌های امام حسین علیه السلام که در روز اربعین خوانده می‌شود، جمله‌ای بسیار پرمعنا وجود دارد و آن، این است: «وَبَدَّلَ مُهْجَتَهُ فِيكَ لَيْسَتْ تَنْقُذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ».<sup>۳</sup> فلسفه‌ی فداکاری حسین بن علی علیه السلام در این جمله گنجانده شده است.



۱. مفاتیح الجنان، زیارت اربعین

۲. بیانات در مراسم هفدهمین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره) ۱۴/۰۳/۱۳۸۵

۳. مفاتیح الجنان، زیارت اربعین



تو، خون خود را نثار کرد، تا مردم را از جهالت نجات بدهد. «وَحَيْرَةٌ الصَّلَاةِ»؛ مردم را از سرگردانی و حیرتی که در گمراهی است، نجات بدهد. ببینید، این جمله چقدر پُر مغز و دارای چه مفهوم متزّقی و پیشرفته‌ای است.

### راهکار نجات تاریخ از اغوای شیاطین

مسئله این است که بشریت همیشه دستخوش شیطنت شیطان‌هاست. همیشه شیطان‌های بزرگ و کوچک، برای تأمین هدف‌های خود، انسان‌ها و توده‌های مردم و ملت‌ها را قربانی می‌کنند. در تاریخ گذشته هم این را خوانده‌اید و شرح حال سلاطین جابرو ستمگر و رفتار آن‌ها با ملت‌ها و وضع امروز دنیا و روش قدرت‌های بزرگ را دیده‌اید. بشر دستخوش اغوا و خدعه‌ی شیطان‌ها قرار می‌گیرد. باید به بشر کمک کرد، باید به بندگان خدا مدد رساند، تا بتوانند خود را از جهالت نجات بدهند و از سرگردانی و گمراهی خلاص بشوند.<sup>۱</sup>

### توصیف دو جبهه‌ی مقابل در کربلا

يك جمله در زیارت اربعین امام حسین علیه الصلاة والسلام ذکر شده است که مانند بسیاری از جملات این زیارت‌ها و دعاها، بسیار پُر مغز و در خور

۱. سخنرانی در دیدار با فرزندان ممتاز شاهد، جانبازان شهرهای مشهد و تهران و استان کردستان  
۱۳۶۹/۰۶/۲۱





تأمل و تدبّر است. امروز به مناسبت روز تاسوعا و روز عزا، در خطبه‌ی اول قدری پیرامون همین جمله که ناظر به جهت قیام حسینی است عرایضی عرض می‌کنیم. آن جمله این است: «بَدَّلَ مُهَجَّتَهُ فَيْكَ»<sup>۱</sup>. این زیارت اربعین است؛ منتها فقره‌های اوّل آن، دعاست که گوینده‌ی این جملات خطاب به خداوند متعال عرض می‌کند: «بَدَّلَ مُهَجَّتَهُ فَيْكَ»؛ یعنی حسین بن علی، جان و خون خود را در راه تو داد؛ «لَيْسَتْ تُقَدِّ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ»<sup>۲</sup>؛ تا بندگان تو را از جهل نجات دهد؛ «وَ حَيْرَةَ الصَّلَاةِ»<sup>۳</sup>؛ و آن‌ها را از سرگردانی ناشی از ضلالت و گمراهی برهاند. این يك طرف قضیه، یعنی طرف قیام‌کننده؛ حسین بن علی علیه السلام است. طرف دیگر قضیه، در فقره‌ی بعدی معرفی می‌شود: «وَ قَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِ مَنْ عَزَّتْهُ الدُّنْيَا وَ بَاعَ حَظَّهُ بِالْأَزْدَلِ الْأَدْنَى»<sup>۳</sup>؛ نقطه‌ی مقابل، کسانی بودند که فریب زندگی، آن‌ها را به خود مشغول و دنیای مادی، زخارف دنیایی، شهوات و هواهای نفس، از خود بی‌خودشان کرده بود؛ «وَ بَاعَ حَظَّهُ بِالْأَزْدَلِ الْأَدْنَى»؛ سهمی را که خدای متعال برای هر انسانی در آفرینش عظیم خود قرار داده است این سهم عبارت است از سعادت و خوشبختی دنیا و آخرت به بهای پست و ناچیز و غیر قابل اعتنایی فروخته بودند. این، خلاصه‌ی نهضت حسینی است.



۱. مفاتیح الجنان، زیارت اربعین

۲. همان

۳. همان





## مبارزه در دو جبهه‌ی ظاهری و تاریخی

با مذاق‌ه‌ی در این بیان، انسان احساس می‌کند که نهضت حسینی در واقع با دو نگاه قابل ملاحظه است، که هر دو هم درست است؛ اما مجموع دو نگاه، نشان‌دهنده‌ی ابعاد عظیم این نهضت است. یک نگاه، حرکت ظاهری حسین بن علی است؛ که حرکت علیه یک حکومت فاسد و منحرف و ظالم و سرکوب‌گر یعنی حکومت یزید است؛ اما باطن این قضیه، حرکت بزرگتری است که نگاه دوم، انسان را به آن می‌رساند؛ و آن حرکت علیه جهل و زبونی انسان است. در حقیقت، امام حسین اگرچه با یزید مبارزه می‌کند، اما مبارزه‌ی گسترده‌ی تاریخی وی با یزیدِ کوتاه عمر بی‌ارزش نیست؛ بلکه با جهل و پستی و گمراهی و زبونی و ذلت انسان است. امام حسین با اینها مبارزه می‌کند...



## چکیده‌ای جامع از ماهیت قیام عاشورا

اگر بخواهیم ماجرای امام حسین را در سطوری خلاصه کنیم، این‌طور می‌شود: بشریت، دچار ظلم و جهل و تبعیض بود. حکومت‌های بزرگ دنیا، که حکومت قیصر و کسرای آن زمان است چه در ایران آن روز، چه در امپراتوری روم آن روز حکومت اشرافی‌گری و حکومت غیر مردمی و حکومت شمشیر بی‌منطق و



حکومت جهالت و فساد بود. حکومت‌های کوچک‌تر هم مثل آنچه که در جزیره العرب بود از آن‌ها بدتر بودند و مجموعاً جاهلیتی دنیا را فراگرفته بود. در این میان، نور اسلام به وسیله‌ی پیامبر خدا و با مدد الهی و مبارزات عظیم و توان فرسای مردمی توانست اول يك منطقه از جزیره العرب را روشن کند و بعد بتدریج گسترش یابد و شعاع آن همه جا را فراگیرد. وقتی پیامبر از دنیا می‌رفت، این حکومت، حکومت مستقری بود که می‌توانست الگوی همه‌ی بشریت در طول تاریخ باشد؛ و اگر آن حکومت با همان جهت ادامه پیدا می‌کرد، بدون تردید تاریخ عوض می‌شد؛ یعنی آنچه که بنا بود در قرن‌ها بعد از آن در زمان ظهور امام زمان در وضعیت فعلی پدید آید، در همان زمان پدیده آمده بود. دنیای سرشار از عدالت و پاکی و راستی و معرفت و محبت، دنیای دوران امام زمان است که زندگی بشر هم از آنجا به بعد است. زندگی حقیقی انسان در این عالم، مربوط به دوران بعد از ظهور امام زمان است که خدا می‌داند بشر در آنجا به چه عظمت‌هایی نایل خواهد شد. بنابراین، اگر ادامه‌ی حکومت پیامبر میسر می‌شد و در همان دوره‌های اول پدید می‌آمد و تاریخ بشریت عوض می‌شد، فرجام کار بشری مدت‌ها جلو می‌افتاد؛ اما این کار به دلایلی نشد.





## مقایسه خصوصیات حکومت اسلامی و سلطنت اموی

خصوصیت حکومت پیامبر این بود که به جای ابتناء بر ظلم، ابتناء بر عدل داشت. به جای شرك و تفرقه‌ی فکری انسان، مٹکی بر توحید و تمرکز بر عبودیت ذات مقدس پروردگار بود. به جای جهل، مٹکی بر علم و معرفت بود. به جای کینه‌ورزی انسان‌ها با هم، مٹکی بر محبت و ارتباط و اتصال و رفق و مدارا بود؛ یعنی يك حکومت از ظاهر و باطن آراسته. انسانی که در چنین حکومتی پرورش پیدا می‌کند، انسانی باتقوا، پاک‌دامن، عالم، بابصیرت، فعال، پُرنشاط، متحرک و رو به کمال است. با گذشت پنجاه سال، قضایا عوض شد. اسم، اسم اسلام ماند؛ نام، نام اسلامی بود؛ اما باطن دیگر اسلامی نبود. به جای حکومت عدل، باز حکومت ظلم بر سر کار آمد. به جای برابری و برادری، تبعیض و دو دستگی و شکاف طبقاتی به وجود آمد. به جای معرفت، جهل حاکم شد. در این دوره‌ی پنجاه‌ساله، هرچه به طرف پایین می‌آییم، اگر انسان بخواهد از این سرفصل‌ها بیشتر پیدا کند، صدها شاهد و نمونه وجود دارد که اهل تحقیق باید این‌ها را برای ذهن‌های جوان و جوینده روشن کنند.

امامت به سلطنت تبدیل شد! ماهیت امامت، با ماهیت سلطنت،





مغایر و متفاوت و مناقض است. این دو ضد همدند. امامت، یعنی پیشوایی روحی و معنوی و پیوند عاطفی و اعتقادی با مردم. اما سلطنت، یعنی حکومت با زور و قدرت و فریب؛ بدون هیچ‌گونه علقه‌ی معنوی و عاطفی و ایمانی. این دو، درست نقطه‌ی مقابل هم است. امامت، حرکتی در میان امت، برای امت و در جهت خیر است. سلطنت، یعنی يك سلطه‌ی مقتدرانه علیه مصالح مردم و برای طبقات خاص؛ برای ثروت‌اندوزی و برای شهوت‌رانی گروه حاکم. آنچه که ما در زمان قیام امام حسین می‌بینیم، دومی است، نه آن اولی. یعنی یزیدی که بر سر کار آمده بود، نه با مردم ارتباط داشت، نه علم داشت، نه پرهیزگاری و پاک‌دامنی و پارسایی داشت، نه سابقه‌ی جهاد در راه خدا داشت، نه ذره‌ای به معنویات اسلام اعتقاد داشت، نه رفتار او رفتار يك مؤمن و نه گفتار او گفتار يك حکیم بود. هیچ چیزش به پیامبر شباهت نداشت. در چنین شرایطی، برای کسی مثل حسین بن علی که خود او همان امامی است که باید به جای پیامبر قرار گیرد فرصتی پیش آمد و قیام کرد.



### قیام برای احیای ارزش‌ها و معرفت اسلامی

اگر به تحلیل ظاهری قضیه نگاه کنیم، این قیام، قیام علیه حکومت فاسد و ضد مردمی یزید است؛ اما در باطن، يك قیام برای



ارزش‌های اسلامی و برای معرفت و برای ایمان و برای عزت است. برای این است که مردم از فساد و زبونی و پستی و جهالت نجات پیدا کنند. لذا ابتدا که از مدینه خارج شد، در پیام به برادرش محمد ابن حنفیه و در واقع در پیام به تاریخ چنین گفت: «**إِنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا**»؛<sup>۱</sup> من با تکبر، با غرور، از روی فخرفروشی، از روی میل به قدرت و تشنه‌ی قدرت بودن قیام نکردم؛ «**إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلْبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِي**»؛<sup>۲</sup> من می‌بینم که اوضاع در میان امت پیامبر دگرگون شده است؛ حرکت، حرکت غلطی است؛ حرکت، حرکت به سمت انحطاط است؛ در ضد جهتی است که اسلام می‌خواست و پیامبر آورده بود. قیام کردم برای اینکه با این‌ها مبارزه کنم.



دو نتیجه‌ی محتمل برای قیام سیدالشهداء علیه السلام

مبارزه‌ی امام حسین دو وجه دارد و ممکن است دو نتیجه به بار بیاورد؛ اما هر دو نتیجه خوب است. یک نتیجه این بود که امام حسین علیه السلام بتواند بر حکومت یزید پیروز شود و قدرت را از چنگ کسانی که با زور بر سر مردم می‌کوبیدند و سرنوشت مردم را تباه می‌کردند، خارج کند و کار را در مسیر صحیح خود بیندازد. اگر این کار صورت می‌گرفت، البته باز مسیر تاریخ عوض می‌شد. یک وجه دیگر

۱. المناقب، ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۸۹

۲. همان



این بود که امام حسین نتواند به هر دلیلی این پیروزی سیاسی و نظامی را به دست بیاورد؛ آن وقت امام حسین در اینجا دیگر نه با زبان، بلکه با خون، با مظلومیت، با زبانی که تاریخ تا ابد آن را فراموش نخواهد کرد، حرف خود را مثل یک جریان مداوم و غیرقابل انقطاع در تاریخ به جریان می‌اندازد. و این کار را امام حسین کرد.

دنیا و آخرت اصلاح می‌شد؛ اگر ...



البته کسانی که دم از ایمان می‌زدند، اگر رفتاری غیر از آن داشتند که به امام حسین نشان دادند، شقّ اول پیش می‌آمد و امام حسین می‌توانست دنیا و آخرت را در همان زمان اصلاح کند؛ اما کوتاهی کردند! البته بحث اینکه چرا و چطور کوتاهی کردند، از آن بحث‌های بسیار طولانی و مرارت‌باری است که بنده در چند سال قبل از این تحت عنوان «خواص و عوام» آن را مقداری مطرح کردم یعنی چه کسانی کوتاهی کردند، گناه و تقصیر به گردن چه کسانی بود؛ چطور کوتاهی کردند، کجا کوتاهی کردند که من نمی‌خواهم آن حرف‌ها را مجدداً بگویم. بنابراین، کوتاهی شد و به خاطر کوتاهی دیگران، مقصود اول حاصل نشد؛ اما مقصود دوم حاصل گردید. این دیگر چیزی است که هیچ قدرتی نمی‌تواند آن را از امام حسین بگیرد. قدرت رفتن به میدان شهادت؛ دادن جان



و دادن عزیزان؛ آن گذشت بزرگی که از بس عظیم است، هر عظمتی که دشمن داشته باشد در مقابلش، کوچک و محو می شود و این خورشید درخشان، روز به روز در دنیای اسلام به نورافشانی بیشتری می پردازد و بشریت را احاطه می کند.

### آرمانی برای متفکران جهان امروز

امروز بیش از پنج قرن و ده قرن پیش، حسین بن علی اسلام و شما، در دنیا شناخته شده است. امروز وضع به گونه ای است که متفکران و روشنفکران و آن هایی که بی غرضند، وقتی به تاریخ اسلام بر می خورند و ماجرای امام حسین را می بینند، احساس خضوع می کنند. آن هایی که از اسلام سر در نمی آورند، اما مفاهیم آزادی، عدالت، عزت، اعتلاء و ارزش های والای انسانی را می فهمند، با این دید نگاه می کنند و امام حسین، امام آن ها در آزادی خواهی، در عدالت طلبی، در مبارزه ی با بدی ها و زشتی ها و در مبارزه ی با جهل و زبونی انسان است.<sup>۱</sup>



بیت حرمین







## حرکتی در امتداد قیام سیدالشهدا علیه السلام برای تشکیل نظام اسلامی

یک جمله در باب اربعین عرض کنم؛ آمدن اهل بیت حسین بن علی علیهم السلام به سرزمین کربلا - که اصل این آمدن مورد قبول هست، اما سال اول یا دوم بودن آن معلوم نیست - فقط برای این نبود که دلی خالی کنند یا تجدید عهدی بکنند؛ آنچنان که گاهی بر زبان‌ها جاری می‌شود؛ مسأله از این بسیار بالاتر بود. نمی‌شود کارهای شخصیتی مثل امام سجاد علیه السلام یا مثل زینب کبری سلام الله علیها را بر همین مسائل عادی رایج ظاهری حمل کرد، باید در کارها و تصمیمات شخصیت‌هایی به این عظمت در جست‌وجوی رازهای بزرگ‌تر بود.

مسأله آمدن بر سر مزار سیدالشهدا علیه السلام، در حقیقت امتداد حرکت عاشورا بود. با این کار خواستند به پیروان حسین بن علی علیه السلام و دوستان خاندان پیغمبر و مسلمانانی که تحت تأثیر این حادثه قرار گرفته بودند تفهیم کنند این حادثه تمام نشد؛ مسأله با کشته شدن، دفن کردن و اسارت گرفتن و بعد رها کردن اسیران خاتمه پیدا نکرد؛ مسأله ادامه دارد.

به شیعیان یاد دادند: «اینجا محل اجتماع شماست؛ اینجا میعاد





بزرگی است که با جمع شدن در این میعاد، هدف جامعه‌ی شیعی و هدف بزرگ اسلامی جامعه‌ی مسلمین را باید به یاد هم بیاورید. تشکیل نظام اسلامی و تلاش در راه آن حتی در حد شهادت، آن هم با آن وضع!« این چیزی است که باید از یاد مسلمانان نمی‌رفت و خاطره‌ی آن برای همیشه زنده می‌ماند. آمدن خاندان پیغمبر، امام سجاد علیه السلام و زینب کبری سلام الله علیها به کربلا در اربعین به این مقصود بود.»<sup>۱</sup>



### پیاده روی اربعین؛ مصداق شعائر الله

این روزها روزهای نزدیک به اربعین است. پدیده‌ی بی نظیر و بی سابقه‌ای هم در این سال‌های اخیر به وجود آمده و آن، پیاده‌روی میان نجف و کربلا یا بعضی از شهرهای دورتر از نجف تا کربلا است؛ بعضی از بصره، بعضی از مرز، بعضی از شهرهای دیگر، پیاده راه می‌افتند و حرکت می‌کنند. این حرکت حرکت عشق و ایمان است؛ ما هم از دور نگاه می‌کنیم به این حرکت، و غبطه می‌خوریم به حال آن کسانی که این توفیق را پیدا کردند و این حرکت را انجام دادند:

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۶/۷/۲۴، به نقل از کتاب «آفتاب در مضاف»، انتشارات موسسه‌ی انقلاب اسلامی (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خاмене‌ای مدظله).



گرچه دوریم به یاد تو سخن می‌گوییم

بعد منزل نبود در سفر روحانی  
این کسانی که این راه را طی کردند و این حرکت عاشقانه را و  
مؤمنانه را دارند انجام می‌دهند، واقعاً دارند حسنه‌ای را انجام  
می‌دهند. این یک شعار بزرگ است، «**لَا تُحِلُّوا شَعَائِرَ اللَّهِ**»،<sup>۱</sup> این  
بلاشک جزو شعائرالله است. جا دارد که امثال بنده که محرومیم  
از این جور حرکت‌ها عرض بکنیم که «**يَا أَيَّتَنِي كُنْتُ مَعَكُمْ فَأَفُوزَ  
فَوْزًا عَظِيمًا**».<sup>۲</sup> همان‌طور که عرض کردیم، این حرکت حرکت  
عشق و ایمان است؛ هم در آن ایمان و اعتقاد قلبی و باورهای  
راستین، تحریک‌کننده و عمل‌کننده است؛ هم عشق و محبت.  
تفکر اهل بیت و تفکر شیعی همین جور است؛ ترکیبی است از  
عقل و عاطفه، ترکیبی است از ایمان و عشق؛ ترکیب این دو. این  
آن چیزی است که در سایر فرقه اسلامی، خلأ آن محسوس است؛  
سعی هم می‌کنند گاهی به یک نحوی این خلأ را پُر کنند، [اما]  
نمی‌شود؛ چه کسی مثل خاندان پیغمبر - این عناصر برجسته،  
ممتاز، نورانی، ملکوتی - وجود دارد در بین معتقدات<sup>۳</sup> شعب دیگر



۱. . مائده: ۲

۲. مفاتیح الجنان، زیارت اول امام حسین علیه السلام

۳. اعتقادات



اسلامی، که این جور مردم به آن‌ها عشق بورزند، با آن‌ها تعامل کنند، با آن‌ها حرف بزنند، به آن‌ها سلام کنند و از آن‌ها ان شاء الله جواب بشنوند؛ چه کسی دیگر وجود دارد؟ این است که این یک فرصتی است در اختیار پیروان اهل بیت؛ این زیارت ائمه علیهم السلام، این معاشقه‌ی معنوی با این بزرگواران، این زیارت‌های سرشار از مفاهیم عالی و ممتاز که در اختیار ما است.



بعضی دنبال سند می‌گردند برای بعضی از این زیارت‌ها؛ من عرض می‌کنم بدون سند هم این زیارت‌ها را می‌شود خواند. خوب ما وقتی بخواهیم با اینها حرف بزنیم، با چه زبانی حرف بزنیم؟ کی می‌توانیم با این فصاحت، با این بلاغت، با این شیوایی کلمات پیدا کنیم، ترکیبات پیدا کنیم، مفاهیم پیدا کنیم در ذهن خودمان و با اینها حرف بزنیم؟ این زیارت‌ها خیلی خوب است. البته این مانع از این نمی‌شود که انسان‌ها همین‌طور [به شکل] دلی هم با این بزرگواران حرف بزنند - مثل کسی که با پدر خود یا با عزیز خود حرف می‌زند و شکایت می‌کند و حرف می‌زند - مانع از آن‌ها نیست اما این زیارت‌ها و زیارت‌نامه‌هایی که در اختیار ما هست هم واقعاً یکی از چیزهای مغتنمی است که بحمدالله در مکتب ما وجود دارد.



به هرحال کار بسیار مهمی است، کار بزرگی است؛ این حرکت عظیم مردم از ایران، از کشورهای دیگر اسلامی، از هند، از اروپا، حتی از آمریکا و کشورهای دیگر، از راه‌های دور، افرادی می‌آیند در این راه‌پیمایی شرکت می‌کنند - دو روز، سه روز بیشتر یا کمتر - در این راه، پای پیاده حرکت می‌کنند؛ مردم عراق هم انصافاً با کمال بزرگواری و محبت پذیرایی می‌کنند از اینها؛ خیلی حرکت عظیم و پرمعنا و پرمغزی است و کسانی که موفق می‌شوند باید مغتنم بشمارند.<sup>۱</sup>



### آیت عظمای الهی بر نصرت امت اسلامی

اربعین جهانی شد و جهانی‌تر هم خواهد شد؛ این خون حسین بن علی است که بعد از ۱۴۰۰ سال دارد می‌جوشد و روزبه‌روز تازه‌تر می‌شود، روزبه‌روز زنده‌تر می‌شود؛ این همان پیام عاشورا است که از حلقوم اباعبدالله و حلقوم زینب کبری سلام الله علیهما در نهایت غربت و تنهایی صادر شد و امروز فضای عالم را فرا گرفته است و فرا می‌گیرد. حسین علیه السلام متعلق به انسانیت است؛ ما شیعیان افتخار می‌کنیم که پیرو امام حسین هستیم، اما امام حسین فقط متعلق به ما نیست؛ مذاهب اسلامی، شیعه و سنی،



همه زیر پرچم امام حسین هستند. در این راه‌پیمایی عظیم حثی کسانی که متدین به اسلام هم نیستند شرکت می‌کنند و این رشته ادامه خواهد داشت ان شاء الله؛ این یک آیت عظمایی است که خدای متعال دارد نشان می‌دهد. در روزگاری که دشمنان اسلام و دشمنان امت اسلامی با انواع و اقسام ابزارها و وسایل، با پول، با سیاست، با سلاح علیه امت اسلامی دارند کار می‌کنند، خداوند متعال ناگهان حادثه‌ی راه‌پیمایی اربعین را این جور عظمت می‌دهد، این جور جلوه می‌دهد. این آیت عظمای الهی است، این نشانه‌ی اراده‌ی الهی بر نصرت امت اسلامی است، این نشان می‌دهد که اراده‌ی خدای متعال بر نصرت امت اسلامی تعلق گرفته است.<sup>۱</sup>



## پیاده‌روی اربعین؛ ابزار شناساندن امام حسین علیه السلام و منطق آن حضرت به مردم عالم

ما امروز احتیاج داریم که حسین بن علی را به دنیا بشناسانیم؛ دنیای دچار ظلم و فساد و دنائت و لئامت، محتاج معرفت آزادگی حسینی و حریت حسینی است. امروز مردم دنیا، جوان‌های دنیا، ملت‌های بی‌غرض، برای یک چنین حقیقتی دل‌هایشان می‌تپد؛



[اگر] امام حسین علیه السلام به دنیا معرّفی بشود، اسلام معرّفی شده است، قرآن معرّفی شده است. امروز با صدها وسیله علیه اسلام و علیه معارف اسلامی تبلیغ می شود؛ در مقابل این حرکت خصمانه ی جبهه ی کفر و استکبار، حرکت معرفت حسینی می تواند یک تنه سینه سپر کند، بایستد و حقیقت اسلام را، حقیقت قرآن را به دنیا معرّفی کند. منطق حسین بن علی علیه السلام، منطق دفاع از حق است، منطق ایستادگی در مقابل ظلم و طغیان و گمراهی و استکبار است. این منطق امام حسین است؛ امروز دنیا به این منطق نیازمند است؛ امروز دنیا شاهد حاکمیت کفر و استکبار و حاکمیت فساد است، دنیا شاهد حاکمیت ظلم است؛ این پیام امام حسین، پیام نجات دنیا است؛ حرکت عظیم اربعین این پیام را در دنیا منتشر می کند و به فضل الهی و به حول و قوه ی الهی و به توفیق الهی، این حرکت بایستی روزه روز تقویت بشود.<sup>۱</sup>



### پیاده روی بی نظیر اربعین، مایه ی عزّت امت اسلامی

هرجا نمونه هایی از این اجتماع را ما مشاهده کردیم، ولو تن ها، جسم ها در کنار هم قرار گرفتند، دیدیم انعکاس آن در دنیا مایه ی شرف و آبروی اسلام و مسلمین شد؛ مایه ی آبروی پیغمبر شد. نماز



عید را که می خوانیم، کنار هم قرار می گیریم، می گوئیم: «الذی  
جَعَلَتْهُ لِلْمُسْلِمِينَ عِيداً وَ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ دُخْرًا وَ شَرْفًا وَ كَرَامَةً  
وَ مَزِيداً»؛ صرف کنار هم قرار گرفتن جسم ها در نماز، برای پیغمبر  
مایه ی شرف است؛ برای امت اسلامی مایه ی اعزاز و احترام است.  
اجتماع حج همین جور است. امسال شما ملاحظه کردید در اربعین  
حسینی میلیون ها انسان در کنار هم قرار گرفتند؛ خود این حرکت  
عظیم یک جمعی از مسلمان ها - البته مخصوص شیعه نبود،  
سَنّی ها هم بودند - که در دنیا انعکاس پیدا کرد، تعظیم کردند؛  
تجلیل کردند؛ آن را بزرگ ترین گردهمایی عالم به حساب آوردند؛  
چه کسانی؟ آن هایی که دارند مسائل اسلامی را رصد می کنند.<sup>۱</sup>  
مطلب دوّم در مورد اصل این راه پیمایی اربعین است که حقیقتاً یک  
حادثه ی بی نظیری است؛ مانه فقط در دوران خودمان در دنیا، بلکه  
در تاریخ هم سراغ نداریم یک چنین اجتماعی، یک چنین حرکتی را  
هر سال، و هر سال گرم تر از سال قبل اتفاق بیفتد؛ بی نظیر است.  
این حرکت حسینی در گسترش معرفت به امام حسین علیه السلام نقش  
دارد. اربعین با این حرکتی که عمدتاً بین نجف و کربلا در راه پیمایی هر  
سال به وجود می آید بین المللی شد؛ چشم های مردم دنیا به این



۱ . بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان بیست و هشتمین کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی





حرکت دوخته شد؛ امام حسین علیه السلام و معرفت حسینی به برکت این حرکت عظیم مردمی بین المللی شد، جهانی شد.<sup>۱</sup>

### تعامل زیبای اقوام؛ الگوی وحدت ملت های مسلمان

من همین جا مناسب می دانم و لازم می دانم به مناسبت یاد از آن اجتماع عظیم، از دولت عراق، ملت عراق، عشایر عراق که در این آزمون بسیار مهم فداکاری کردند، خدمت کردند، گرم و بزرگواری نشان دادند، تشکر کنم. حادثه‌ی عجیبی بود حادثه‌ی امسال اربعین کربلا. این راه را دشمنان اسلام و دشمنان اهل بیت به خیال خود مسدود کرده بودند. ببینید چه حرکت عظیمی اتفاق افتاد! وقتی حتی جسم‌ها در کنار هم قرار می‌گیرد، این جور انعکاس پیدا می‌کند. اگر ما با هم باشیم، کشورهای اسلامی، ملت‌های مسلمان - سنی و شیعه و فرقه‌ی مختلف تسنن و تشیع - با یکدیگر دل‌هایشان صاف باشد، نسبت به یکدیگر سوءظن نداشته باشند، سوءنیت نداشته باشند، به یکدیگر اهانت نکنند، ببینید در دنیا چه اتفاقی خواهد افتاد؛ چه عزتی برای اسلام درست خواهد شد! وحدت؛ وحدت.<sup>۲</sup>



۱. . بیانات در دیدار جمعی از موکبداران عراقی ۱۳۹۸/۶/۲۷

۲. . بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان بیست و هشتمین کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی

کبیر حسین





## میهمان نوازی مردم عراق از زائران اربعین حسینی

میهمان نوازی و گرم در استقبال از زائران اربعین حسینی یکی دیگر از صفات ممتاز مردم عراق است. این رفتار عاشقانه معنوی در دنیای امروز مادی بسیار مهم و قابل توجه است و هنوز به درستی عمق این فضیلت مردم عراق شناخته نشده است.<sup>۱</sup>

از صمیم قلب، خودم و از طرف ملت بزرگ ایران تشکر می‌کنم، هم از شما موکب داران که در ایام اربعین کرامت را و رحمت و مودت را به منتها درجه رسانده‌اید، هم از همه‌ی ملت بزرگ عراق و هم از مسئولین در دولت عراق که امنیت را و فضا را و زمینه را فراهم کرده‌اند، هم بخصوص از علمای بزرگوار و مراجع عظام عراق که فضای زیارت را، فضای برادری بین آحاد مردم و بین دو ملت را فراهم کرده‌اند؛ حقیقتاً جای تشکر دارد. آنچه برای ما نقل می‌شود از رفتار شما برادران عزیز عراقی در مواکب میان راه و رفتار کریمانه‌ی شما با زائران حسینی، چیزهایی است که نظیر ندارد؛ در دنیای امروز این چیزها نظیر ندارد. همچنان که خود راه‌پیمایی اربعین در تاریخ نظیر ندارد، رفتار کریمانه‌ی شما هم حقیقتاً نظیر و شبیهی ندارد. شما کرامت اسلامی و کرامت عربی را در رفتار خودتان و





اعمال خودتان نشان داده‌اید و همه به عشق سیدالشهدا سلام الله علیه است، به عشق حسین بن علی است؛ از روی عشق و علاقه‌ای که به امام حسین دارید، پای زائر امام حسین را شست و شو می‌دهید، بدن او را در خستگی‌های شدید کمک می‌کنید، مالش می‌دهید، به او غذا می‌دهید، به او جای خواب می‌دهید، چون زائر حسین است.



این عشق به حسین بن علی یک امر استثنائی است؛ شبیه این را در هیچ جا، در هیچ زمان سراغ نداشتیم و نداریم. و امیدواریم خداوند متعال این عشق را در دل‌های شما، در دل‌های ما روزبه‌روز افزایش بدهد.<sup>۱</sup>

### راهپیمایی اربعین؛ نمایشگاه محبت بین ملت‌ها

راهپیمایی مراسم روز اربعین یک نمونه از این ارتباط دوستانه [دو ملت ایران و عراق] است به گونه‌ای که مردم عراق در پذیرایی از زائران ایرانی، از انفاق و محبت و ارادت چیزی کم نمی‌گذارند. مسئولان دو کشور ایران و عراق، باید از این فضا و فرصت برای منافع دو کشور بیشترین استفاده را بکنند.<sup>۲</sup>

۱. بیانات در دیدار جمعی از موبدداران عراقی ۱۳۹۸/۶/۲۷

۲. دیدار رئیس جمهوری عراق با رهبر انقلاب ۱۳۹۴/۹/۳



## آیت رحمت پروردگار

از ده‌ها کشور در راه پیمایی اربعین شرکت می‌کنند و میهمان مردم عراق می‌شوند. سعی کنیم در این راه پیمایی پیوندهای مستحکم بین برادران مسلمان را بیشتر کنیم؛ پیوند بین عراقی و غیرعراقی، پیوند بین شیعه و سنی، پیوند بین عرب و فارس و تُرک و کُرد؛ این پیوندها مایه‌ی سعادت است، این پیوندها آیت رحمت پروردگار است.<sup>۱</sup>



## جان‌های به یکدیگر متصل

دشمن سعی در تفرقه دارد که نتوانسته است و به حول و قوه‌ی الهی نخواهد توانست. ما - ایران و عراق - دو ملت هستیم متصل به یکدیگر؛ تن‌های ما، دل‌های ما، جان‌های ما به یکدیگر متصل است؛ آنچه این اتصال را ایجاد کرده است، ایمان ب‌الله و محبت به اهل بیت علیهم السلام است، محبت به حسین بن علی علیه السلام است؛  
روزبه روز هم این زیاد خواهد شد؛ ان شاء الله.<sup>۲</sup>

۱. بیانات در دیدار جمعی از موکبداران عراقی ۱۳۹۸/۶/۲۷

۲. همان



## پیاده‌روی اربعین؛ یکی از نشانه‌های ایمان جوانان

عزیزان من! جوان کشور ما امیدبخش است؛ محیط جوانی در کشور ما امیدبخش است؛ نه اینکه بنده خبر نداشته باشم که حالا یک مشت جوان‌هایی هستند که راه‌های غلطی می‌روند، کارهای بدی می‌کنند؛ چرا، آن‌ها را هم بنده اطلاع دارم اما سرجمع وقتی که نگاه می‌کنم به محیط جوانی کشور، از خدای متعال سپاسگزاری می‌کنم. با این همه عوامل انحراف، با این همه انگیزه، با این جبهه‌ی وسیع دشمنی و تمرکز روی جوان‌ها، ما یک مجموعه‌ی بزرگ جوان داریم که مؤمنند، متدینند، انقلابی‌اند، اهل توکلند، اهل شور و عشق به معنویتند؛ این چیز کمی نیست؛ این چیز خیلی مهمی است؛ خیلی چیز بزرگی است. عده‌ای اهل قرآنند، عده‌ای اهل اعتکافند، عده‌ای اهل پیاده‌روی اربعینند، عده‌ای اهل ایستادگی در میدان‌های انقلاب و در مظاهر انقلابند. این خیلی با عظمت است، خیلی با ارزش است؛ دشمن با همه‌ی اینها مخالف است.<sup>۱</sup>



## لزوم رعایت ضوابط و مقررات در سفر اربعین

البته این عرایض ما موجب نشود که بعضی‌ها خارج از مقررات



بخواهند بلند شوند راه بیفتند و حرکت کنند؛ نه، طبق همان مقرراتی که دولت اسلامی معین کرده است؛ خب، دوستان ما در دولت نشسته‌اند فکر کرده‌اند، مقرراتی و ضوابطی برای این کار در نظر گرفته‌اند، این ضوابط حتماً مراعات بشود؛ جوری نباشد که کسانی خارج از این ضوابط بگویند «برویم همین‌طور حرکت کنیم، سربه بیابان بگذاریم. مثلاً برویم»، این جوری مطلوب نیست؛ این ضوابط را حتماً بایستی رعایت کنند. ان شاء الله موفق و مؤید باشید.<sup>۱</sup>



### حرکت ملت ما در زیارت اربعین، نشانگر عزم راسخ ملی

ملت ما عزم راسخ خود را هم در تحمل برخی مشکلاتی که برای او وجود داشت نشان داد، هم در روز بیست و دوم بهمن، در روز قدس و در راهپیمایی عظیم اربعین این عزم را، این همت را از خود بروز داد و نشان داد. و مدیریت جهادی هم در برخی از بخش‌ها بحمدالله بارز و آشکار بود.<sup>۲</sup>

### لزوم معرفت‌افزایی زائران سفر اربعین

مردم با شور خودشان به کربلا می‌روند، اما باید دید وقتی برمی‌گردند با خودشان چه می‌آورند؟

۱. بیانات در ابتدای درس خارج فقه درباره پیاده‌روی اربعین ۱۳۹۴/۹/۹

۲. پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال ۹۴/۱/۱



... افزایش معرفت و شناخت اهداف امام حسین علیه السلام در واقعه کربلا به عهده علماست و باید آنان تلاش کنند تا میزان آگاهی زائران نسبت به مشی و جهت‌گیری سیدالشهدا اضافه شود، به عبارتی فقط شور نباشد و شعور هم به آن اضافه شود.<sup>۱</sup>

### ایجاد تمدن عظیم اسلامی؛ جهت‌گیری اربعین

مطلب سوّم که به شما برادران عزیز عرض می‌کنم این است که این مراسم را هر چه می‌توانید و هر چه می‌توانیم، باید پُر بارتر و معنوی‌تر کنیم؛ معنا و مضمون این مراسم را باید روز به روز بیشتر کنیم؛ اهل فکر، اهل فرهنگ، اهل اقدام فرهنگی و فکری، برای این حرکت عظیم بنشینند برنامه‌ریزی کنند. امروز هدف هر مسلمان باید ایجاد تمدّن اسلامی نوین باشد؛ ما امروز این را می‌خواهیم. ملت‌های اسلامی ظرفیّت‌های عظیمی دارند که اگر از این ظرفیّت‌ها استفاده شود، امت اسلامی به اوج عزّت خواهد رسید؛ ما باید به این بیندیشیم، به این فکر کنیم؛ ایجاد تمدّن عظیم اسلامی، هدف نهایی ما است.<sup>۲</sup>



۱. . حجت الاسلام قمی، معاون ارتباطات بین الملل دفتر مقام معظم رهبری در جلسه ستاد مراسم اربعین؛ هنگامی که گزارش مراسم اربعین ۹۴ به رهبر معظم انقلاب داده شد ایشان این مطالب را فرمودند. به نقل از نشریه خط حزب الله، پیش شماره ششم، هفته دوم مرداد ۱۳۹۴  
۲. . بیانات در دیدار جمعی از موکب‌داران عراقی ۱۳۹۸/۶/۲۷



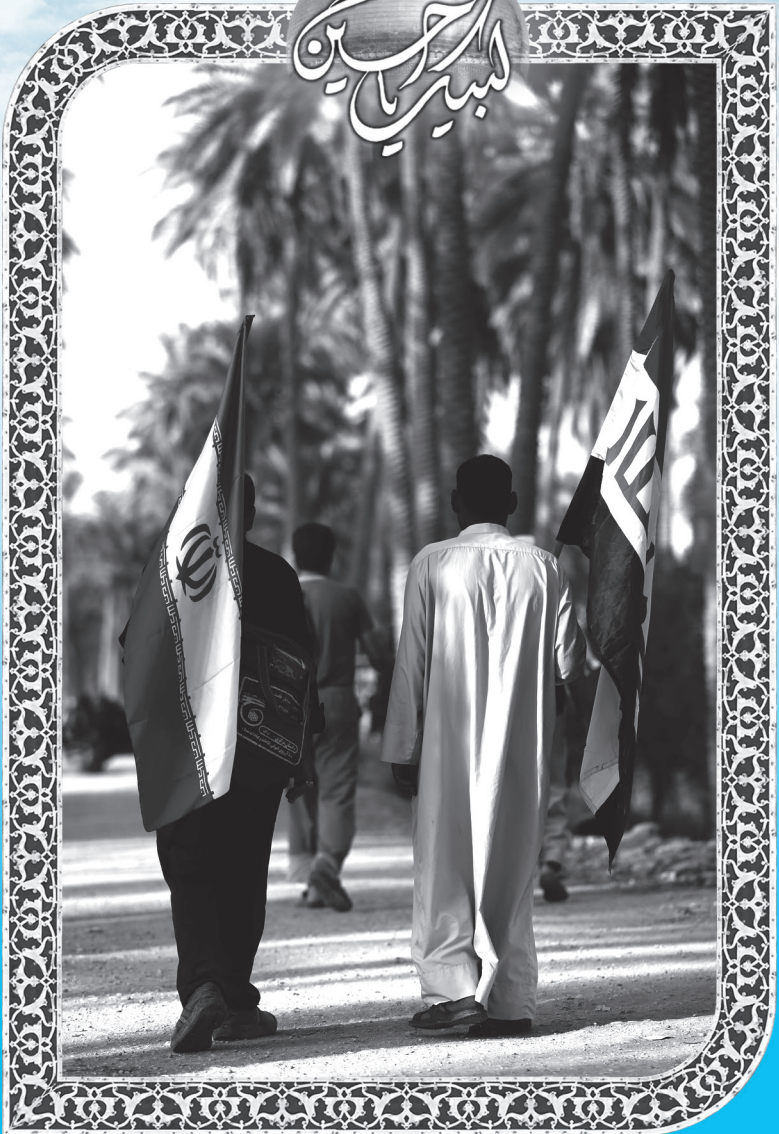


## پیاده روی اربعین؛ مسیر تمدن عظیم اسلامی

اگر ظرفیت‌های کشورهای اسلامی - ظرفیت عراق، ظرفیت ایران، ظرفیت کشورهای دیگر منطقه‌ی غرب آسیا و شمال آفریقا - بر روی هم مجتمع بشود، اگر این ظرفیت‌ها به هم برسند، این دست‌ها در هم گره بخورند، آن وقت امت اسلامی نشان خواهد داد که عزت الهی یعنی چه؛ تمدن عظیم اسلامی را به جوامع عالم نشان خواهند داد؛ باید هدف ما این باشد و این راه‌پیمایی اربعین می‌تواند یک وسیله‌ی گویایی برای تحقق این هدف باشد.<sup>۱</sup>



# کبیر حسین





# زیارت



اربعین سید الشهداء علیه السلام مصادف با روز بیستم صفر است، شیخ طوسی در کتاب تهذیب از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام روایت کرده: نشانه های مؤمن پنج چیز است: پنجاه و یک رکعت نماز گذاردن، که مراد هفده رکعت واجب، و سی و چهار رکعت نافله [مستحب] در هر شب و روز است، و زیارت اربعین، و انگشتر به دست راست نمودن، و پیشانی را در سجده بر خاک نهادن، و بلند گفتن «بسم الله الرحمن الرحيم» کیفیت زیارت حضرت امام حسین علیه السلام در روز اربعین رسیده: زیارتی است که شیخ در کتاب تهذیب از صفوان جمال روایت کرده، که صفوان گفت: مولایم امام صادق علیه السلام درباره زیارت اربعین به من گفت: هنگامی که قسمت قابل توجهی از روز برآمده، بخوان:



السَّلَامُ عَلَىٰ وَلِيِّ اللَّهِ وَحَبِيبِهِ السَّلَامُ عَلَىٰ خَلِيلِ اللَّهِ وَنَجِيِّهِ السَّلَامُ  
سلام بر ولی خدا و حبیبش، سلام بر دوست خدا و نجیبش، سلام بر بنده برگزیده  
عَلَىٰ صَفِيِّ اللَّهِ وَابْنِ صَفِيِّهِ السَّلَامُ عَلَىٰ الْحُسَيْنِ الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ  
خدا و فرزند برگزیده اش، سلام بر حسین مظلوم شهید،  
السَّلَامُ عَلَىٰ أَسِيرِ الْكُرْبَاتِ وَقَتِيلِ الْعَبْرَاتِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّهُ  
سلام بر آن دچار گرفتاری ها و کشته اشکها، خدایا من  
وَلَيْتُكَ وَابْنُ وَلَيْتِكَ وَصَفِيكَ وَابْنُ صَفِيكَ الْفَائِزُ بِكَرَامَتِكَ  
گواهی می‌دهم که حسین ولی تو و فرزند ولی تو، و فرزند برگزیده توست  
أَكْرَمْتَهُ بِالشَّهَادَةِ وَحَبَوْتَهُ بِالسَّعَادَةِ وَأَجْتَبَيْتَهُ بِطِيبِ الْوِلَادَةِ وَ  
حسینی که به کرامت رسیده، او را به شهادت گرامی داشتی، و به خوشبختی  
جَعَلْتَهُ سَيِّدًا مِنَ السَّادَةِ وَقَائِدًا مِنَ الْقَادَةِ وَذَائِدًا مِنَ الذَّادَةِ  
اختصاصش دادی، و به پاکي ولادت برگزیدی، و او را آقای از آقایان، و پیشروی  
وَأَعْطَيْتَهُ مَوَارِيثَ الْأَنْبِيَاءِ وَجَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلَىٰ خَلْقِكَ مِنْ  
از پیشروان، و مدافعی از مدافعان حق قرار دادی، و میراث‌های پیامبران را به او  
الْأَوْصِيَاءَ فَأَعَذَّرَ فِي الدُّعَاءِ وَمَنَحَ النَّصْحَ وَبَذَلَ مُهْجَتَهُ فَيَا  
عطا فرمودی، و او را از میان جانشینان حجت بر بندگان قرار دادی، و در دعوتش  
لَيْسَتْ تَقْدِ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَحَيْرَةِ الضَّلَالَةِ وَقَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِ مَنْ  
جای عذری باقی نگذاشت، و از خیرخواهی دریغ نورزید، و جانش را در راه تو بذل کرد





مِنَ الْجَهَالَةِ وَحَيْرَةِ الضَّلَالَةِ وَقَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِ مَن غَرَّتْهُ الدُّنْيَا  
تا بندگانت را از جهالت و سرگردانی گمراهی برهاند، درحالی که علیه او به کمک هم  
وَبَاعَ حَظَّهُ بِالْأَرْذَلِ الْأَذْنَى وَشَرَىٰ آخِرَتَهُ بِالثَّمَنِ الْأَوْكَسِ  
برخاستند، کسانی که دنیا مغرورشان کرد، و بهره واقعی خود را به پست تر چیزی فروختند  
وَتَغَطَّرَسَ وَتَرَدَّىٰ فِي هَوَاهُ وَأَسْخَطَكَ وَأَسْخَطَ نَبِيَّكَ وَأَطَاعَ  
وآخرتشان را به کمترین بها فروختند، تکبر کردند و خود را در دامن هوای نفس انداختند،  
مِنَ عِبَادِكَ أَهْلَ الشَّقَاقِ وَالنَّفَاقِ وَحَمَلَةَ الْأَوْزَارِ  
تو را و پیامبرت را به خشم آوردند و اطاعت کردند از میان بندگانت، اهل شکاف افکنی و  
الْمُسْتَوْجِبِينَ النَّارِ فَجَاهَدْهُمْ فِيكَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا حَتَّىٰ سَفِكَ  
نفاق و بازگشان گناهان سنگین، و سزواران آتش را پس با آنان دربار تو صابانه و به  
فِي طَاعَتِكَ دَمُهُ وَاسْتَبِيحَ حَرِيمَهُ اللَّهُمَّ فَالْعَنَهُمْ لَعْنًا وَبِيلاً  
حساب تو جهاد کرد، تا در طاعت تو خونس ریخته شد و حریمش مباح گشت خدا یا آنان  
وَعَذَّبَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا أَلِيمًا السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ  
را لعنت کن لعنتی سنگین، و عذابشان کن عذابی دردناک، سلام بر تو ای فرزند رسول  
عَلَيْكَ يَا بَنَ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ أَشْهَدُ أَنَّكَ أَمِينُ اللَّهِ وَابْنُ أَمِينِهِ  
خدا، سلام بر تو ای فرزند سرور جانشینان، شهادت می دهم که تو امین خدا و فرزند امین  
عِشْتَ سَعِيداً وَمَضَيْتَ حَمِيداً وَمُتَّ فَقِيداً مَظْلُوماً شَهِيداً  
اویی، خوشبخت زیستی و ستوده درگذشتی، و از دنیا رفتی گم گشته، و مظلوم و شهید،





وَأَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ مُنْجِزُ مَا وَعَدَكَ وَمُهْلِكُ مَنْ خَذَلَكَ  
گواهی می‌دهم که خدا وفاکننده است آنچه را به تو وعده داده، و نابودکننده کسانی را که  
وَمُعَذِّبُ مَنْ قَتَلَكَ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَفَيْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَجَاهَدْتَ فِي  
از یاریات در بیخ و ریزیدند، و عذاب کننده کسانی را که تو را کشتند، و گواهی می‌دهم که تو  
سَبِيلِهِ حَتَّى آتَيْكَ الْيَقِينَ فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ  
به عهد خدا وفا کردید و در راهش به به جهاد برخاستی تا مرگ فرارسید، پس خدا لعنت  
ظَلَمَكَ وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ اللَّهُمَّ إِنِّي  
کند کسانی را که تو را کشتند، و به توستم کردند، و این جریان را شنیدند و به آن خشنود  
أَشْهَدُكَ أَنِّي وَلِيُّ لِمَنْ وَالَاهُ وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاهُ يَا بَنِي آنتَ وَأُمِّي  
شدند، خدای من تو را شاهد می‌گیرم که من دوستم با آنان که او را دوست دارند، و  
يَا بَنِي رَسُولِ اللَّهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّاهِقَةِ  
دشمن با آنان که با او دشمنند، پدر و مادرم فدایت ای فرزند رسول خدا، گواهی می‌دهم  
وَالْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا وَلَمْ  
که تو در صلب‌های بلند مرتبه و رحم‌های پاک نوری بودی، جاهلیت با ناپاکی‌هایش تو  
تَلِسْكَ الْمُدَلِّهِمَاتُ مِنْ ثِيَابِهَا وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ دَعَائِرِ الدِّينِ  
را آلوده نکرد، و از جامه‌های تیره و تارش به تو نپوشاند، و گواهی می‌دهم که تو از  
وَأَرْكَانِ الْمُسْلِمِينَ وَمَعْقِلِ الْمُؤْمِنِينَ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْأَمَامُ  
ستونهای دین، و پایه‌های مسلمانان، و پناهگاه مردم مؤمنی، و گواهی می‌دهم که





الْبُرِّ التَّقِيُّ الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ الْهَادِي الْمَهْدِيُّ وَأَشْهَدُ أَنَّ الْأَيْمَةَ مِنْ  
پیشوای نیکوکار، باتقوا، راضی به مقدرات حق، پاکیزه، هدایت کننده و هدایت شده‌ای،  
وَلَدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَأَعْلَامُ الْهُدَى وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَالْحُجَّةُ عَلَيَّ  
و گواهی می‌دهم که امامان از فرزندان، اصل تقوا، و نشانه‌های هدایت، و دستگیره

أَهْلِ الدُّنْيَا وَأَشْهَدُ أَنَّيْكُمْ مُؤْمِنٌ وَبِأَيِّكُمْ مُوقِنٌ بِشَرَايِعِ دِينِي  
محکم، و حجت بر اهل دنیا هستند و گواهی می‌دهم که من به یقین مؤمن به شما می‌ام، و

وَحَوَاتِيمِ عَمَلِي وَقَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سَلَامٌ وَأَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ وَنُصْرَتِي  
به بازگشتان یقین دارم، بر اساس قوانین دینم، و عواقب عملم، و قلبم با قلبتان در صلح،

لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ لَكُمْ فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَامَعَ عَدُوُّكُمْ صَلَوَاتُ  
و کارم پیرو کارتان، و یاری ام برای شما آماده است، تا خدا به شما اجازه دهد، پس با

اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَعَلَى أَرْوَاحِكُمْ وَأَجْسَادِكُمْ وَشَاهِدِكُمْ وَغَائِبِكُمْ  
شما می‌ام نه با دشمنانتان، دروهای خدا بر شما، و بر ارواح و بیکرهایتان، و بر حاضر و

و ظاهری‌کم و باطنی‌کم آمین رَبِّ الْعَالَمِينَ.

غایبتان، و بر ظاهر و باطنتان، آمین ای پروردگار جهانیان.



کبیر حسین

